



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۶

رفعت حسینی

شاعر سرزمین خران: خاقانی

برپیشانی نام خاقانی شروانی، {بی شعوران} در جغرافیای زمامداری لسان پارسی، لقب [حسان العجم] را چسپانده بودند.

حسان العجم خاقانی ((بزرگ !)) در هنگام راه رفتن های هفته و ماه و گذر شب و روز، به سبب [همبستری]، حتا گه همسر های خود را می خورد. مگر بنا بر خرافه پرستی و از سبب قبولی و پذیرش « خلق الله » زن ستیزی می کند و چنین جنایتی را مرتکب می شود و خون مادر و دختر خود را هم می ریزد و به ثبوت می رساند که هنرمند و شاعر در سرزمین خران است:

مرا به زادن دختر چه خرمی زاید
که کاش مادر من هم نزادی از مادر
شعر مکمل این ردیل و قاتل را بخوانید.
شماره ۱۸۷ - در تولد دختر خود

خاقانی « دیوان اشعار » قطعات
یکی دو زاینده آبستانان مادر طبع
ز من بزاد به یکباره صد هزار پسر
یکان یکان حبشی چهره و یمانی اصل
همه بلال معانی، همه اویس هنر
یگانه دو سرا و سه وقت و چار ارکان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

امير پنج حس و شش جهات و هفت اختر
مرا چه نقصان گر جفت من بزاد کنون
به چشم زخم هزاران پسر یکی دختر
که دختری که ازینسان برادران دارد
عروس دهرش خوانند و بانوی کشور
اگر بمیرد باشد بهشت را خاتون
وگر بماند زبید مسیح را خواهر
اگرچه هست بدینسان خدای مرگ دهد
که گور بهتر داماد و دفن اولی‌تر
اگر نخواندی نعم الختن برو برخوان
وگر ندیدی دفن البنات شو بنگر
مرا به زادن دختر چه خرمی زاید
که کاش مادر من هم نزادی از مادر
سخن که زاده خاقانی است دیر زیاد
که آن ز نه فلک آمد نه از چهار گهر
///